

بررسی پدیده اسپانگلیسی در ایالات متحده

علی فیض‌الهی ملک‌آباد^۱

استادیار زبان و ادبیات اسپانیایی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

سید امیرعباس موسوی^۲

کارشناس زبان اسپانیایی و کارشناس ارشد مطالعات آمریکای لاتین دانشگاه تهران، تهران، ایران

ایران

(تاریخ دریافت: ۹۳/۰۳/۱۹، تاریخ تصویب: ۹۴/۰۹/۰۳)

چکیده

اسپانگلیسی یا اسپانگلیش ترکیبی از زبان انگلیسی و اسپانیولی است که به‌ویژه در میان جوانان، در مناطق خاصی از جهان محبوبیت دارد. این مقاله سعی در پاسخ به پرسش‌های اساسی در مورد اسپانگلیسی دارد: آیا این پدیده حاصل طبیعی هم‌زیستی دو فرهنگ و زبان مختلف است یا معضلی اجتماعی است که باعث تخریب زبان رسمی و چندصدساله اسپانیایی یا انگلیسی می‌شود؟ به‌علاوه، چه راهکارهایی برای حفظ زبان‌های مختلف در جوامع این‌چنینی، به‌خصوص در مناطق مورد بحث ما، وجود دارد؟ پس از بیان تاریخچه و تعریفی کلی از اسپانگلیسی، ابتدا سعی شده با در نظر گرفتن ویژگی‌های ساختاری این پدیده و قیاس آن با برخی موارد مشابه، مشخص کرد که این میوه دوزبانگی در کدام قالب زبانی می‌گنجد؟ سپس، دلایل عمومی، جامعه‌شناختی و روان‌شناختی ایجاد و استفاده مردم مناطق جنوبی کشور ایالات متحده آمریکا و مکزیک از آن را بررسی کرده‌ایم. در ادامه جمع‌بندی از شواهد عینی و نظرهای مخالف و موافق افراد متخصص در این زمینه، به بحث گذاشته شده است. نتیجه حاصل از مقاله پیش‌رو این است که اسپانگلیسی تنها میوه هم‌زیستی دو تمدن است و راهکار جلوگیری از آن نیز صرفاً به نوعی فرهنگ‌سازی است.

واژه‌های کلیدی: اسپانگلیسی، آمریکای لاتین، جهانی‌شدن، دوزبانگی، مهاجرت.

1. Email: afeiz@ut.ac.ir (نویسنده مسئول)

2. Email: saamousavi047@gmail.com

مقدمه

زبان عنصری جدایی‌ناپذیر از فرهنگ ملت‌هاست که مهم‌ترین کارکرد آن را کارکرد اجتماعی و ارتباطی می‌دانند. در هر کجای جهان با یک زبان معیار و مجموعه‌ای از زبان‌هایی که مبتنی بر ادراکات گروه‌های مختلف اجتماعی است روبه‌رویم، که عموماً تفاوت‌هایی با ادراکات جامعه کل دارد. شغل، مکان سکونت، میزان تحصیلات و اصل و نسب و وابستگی قومی و سابقه فرهنگی و مذهب افراد جامعه باعث ایجاد گروه‌های دارای هنجارها و مشترکاتی می‌شود که همه اعضای گروه آن را می‌پذیرند و متعهد به رعایتشان می‌شوند. البته، گروه‌های اجتماعی موجود در هر جامعه همچنان تابع قواعد کلی زبان آن جامعه، یعنی همان «زبان معیار» است، اما چون از طرفی هنجارهای خاص خود را نیز دارد، در زبان جامعه تغییراتی متناسب با هنجارهای گروهی خود می‌دهد. این فرایند را می‌توان یکی از فرایندهای شکل‌گیری گونه‌های مختلف اجتماعی زبان دانست. شناختن گونه‌های مختلف زبان حاصل روابط پیچیده اجتماعی است و بررسی شکل و صورت آن‌ها از تحقیقات ضروری در زمان حاضر است. پس همان‌گونه که بیان شد، زبان جامعه، بسته به تمایلات و سلیق گروه‌های اجتماعی، رفته‌رفته همگنی‌اش را از دست می‌دهد و گونه‌های مختلف زبانی به وجود می‌آید. اما از آنجا که این تغییرات در سطح محدودی صورت می‌گیرد، تغییر چندان محسوس در زبان معیار، به وجود نمی‌آید.

از هم‌زیستی دو یا چند فرهنگ مختلف در یک مکان پدیده‌ای به نام دوزبانگی در جوامع بشری ایجاد شده است. از جمله این برخورد فرهنگ‌ها و زبان‌ها می‌توان به مناطق جنوبی ایالات متحده و آمریکای مرکزی اشاره کرد. در جنوب ایالات متحده، از هم‌زیستی اسپانیایی‌زبان‌هایی که قبلاً مستعمره کشور اسپانیا بودند با انگلیسی‌زبان‌های ساکن این کشور، محصول زبانی جدیدی به نام اسپانگلیسی یا اسپانگلیش ایجاد شد. چندی پس‌الظهور این پدیده در مناطق جنوبی آمریکا و کشورهای همسایه آن، دانشمندان و زبان‌شناسان به بررسی این موضوع پرداختند. بسیاری از آن‌ها منتقد نفوذ انگلیسی به زبان اسپانیایی‌اند و آن را ناشی از نوعی تهاجم فرهنگی نژاد آنگلوساکسون می‌دانند و برای اثبات شواهد تاریخی و سیاست‌های استعماری بریتانیای کبیر را مثال می‌زنند (Koroliova, 1999).

عده‌ای دیگر این پدیده را محصول طبیعی هم‌زیستی ساکنان کشورهای اسپانیایی‌زبان آمریکای شمالی مثل مکزیک، پورتوریکو و کوبا با انگلیسی‌زبان‌های آمریکا می‌دانند و معتقدند که زبان‌ها پیوسته در حال تخریب‌اند. این فرایند را جریان اجتناب‌ناپذیری در جوامع انسانی یاد می‌کنند (Torres, 2004).

نظر به اینکه زبان‌شناسان هنوز هم بر سر این مسئله اختلاف نظر دارند، همچنین علی‌رغم عقبه بیست‌ساله زبان اسپانیایی در ایران، هیچ‌گونه کار پژوهشی در این زمینه به زبان فارسی انجام نشده است. نویسندگان این مقاله لازم دانستند این تحقیق را با تمام مشکلات، سختی‌ها و محدودیت منابع به انجام برسانند تا در کنار اهداف اصلی این تحقیق، دو هدف فرعی دیگر را محقق سازند. نخست، یادگاری برای نسل‌های آینده است. دوم، بدین وسیله ثابت شود که هر چند شرایط محیطی و سیاسی، کشور ما را محدود می‌کند، اما کسی نمی‌تواند جلوی پیشرفت فرزندان ایران‌زمین را بگیرد.

شایان ذکر است این تحقیق به دلیل تخصصی‌بودن، دربرگیرنده محتویاتی مطابق با زبان‌های اسپانیایی و انگلیسی است، لذا برای درک صحیح از این کار پژوهشی توصیه می‌شود خواننده ابتدا با این دو زبان زنده دنیا و تاریخچه آن‌ها آشنایی بیشتری پیدا کند.

تعریف و تاریخچه اسپانگلیسی در منطقه

به لحاظ تاریخی، ریشه اسپانگلیسی این منطقه به آمریکای دوره استعمار برمی‌گردد؛ زمانی که تمدن ایبرایی رد پای خود را در فلوریدا و مناطق جنوب غرب بر جای گذاشت. تا سال ۱۸۴۸، یعنی زمانی که مکزیک، بر اساس قرارداد «گوادالوپه-هیدالگو» تقریباً دوسوم از قلمرو خود (کلرادو، آریزونا، نیومکزیکو، کالیفرنیا و یوتا) را به همسایه‌اش فروخت، زبان اسپانیایی زبان رسمی اداری و آموزشی به حساب می‌آمد. این زبان با گویش‌های بومی تعامل داشت. با ورود انگلیسی‌ها، فرایند آمیزش زبان اسپانیایی و انگلیسی آغاز شد. این فرایند، در پایان قرن نوزدهم و با جنگ میان آمریکا و اسپانیا شدت گرفت. ایالات متحده با ورود به حوزه کاراییب، زبان انگلیسی را نیز با خود آوردند (Usembassy, 2007).

با پیشرفت زمان، ورود آنگلو ساکسون‌ها به منطقه و روند مثبت گرایش جمعیتی به سمت انگلیسی‌زبان‌ها، شخصی اسپانیایی‌زبان و مقیم آمریکا، به دلیل اینکه اطرافیان حرف‌های او را نمی‌فهمیدند، کم‌کم از حرف‌زدن به زبان اسپانیایی خودداری کرد، و در کنار آن چون به

انگلیسی هنوز تسلط نداشت و نمی‌توانست به آن زبان نیز صحبت کند، تلاشش برای ارتباط با ساکنان آنجا به ایجاد نوعی گویش یا نیم‌زبان ختم می‌شود که مخلوطی از هردو مورد است؛ نه انگلیسی است و نه اسپانیایی، قواعد خاصی را نیز نمی‌طلبد، و امروزه اسپانگلیش نامیده می‌شود. این میوه دوزبانگی در میان جوانان مناطق نام‌برده محبوبیت ویژه‌ای دارد و یکی از خاص‌ترین شیوه‌هایی است که در برخورد این دو زبان، هم‌گام با مسئله مهاجرت و جهانی شدن رشد می‌یابد.

شاید بتوان گفت این واژه را برای اولین بار در روزنامه پورتوریکو طنزپرداز پورتوریکویی به نام سالوادور تیو^۱ استفاده کرد. در این یادداشت که عنوانش «تئوری اسپانگلیش» بود، نویسنده تأکید کرده که اسپانگلیش مدل اسپانیایی‌شده زبان انگلیسی و در حال تبدیل به فرایندی اجتناب‌ناپذیر است (Cano, 2015).

قلب زبانی اسپانگلیسی

تاکنون نام‌ها و عناوین علمی متعددی در مجلات و مقاله‌های مختلف برای این پدیده اتخاذ شده است که هیچ‌کدام نوع خاصی را برای آن در نظر نگرفته‌اند. برای مثال، برخی از واژه‌نامه‌ها و منابع زبانی آن را «نوع بیان»^۲ و یا «گونه زبانی»^۳ ذکر کرده‌اند. در این بخش می‌کوشیم تا با ذکر تعاریف و مرزبندی‌های علمی زبان ابتدا معین کنیم که اسپانگلیش در کدام قالب زبانی می‌گنجد.

الف) زبان

براساس *دایره‌المعارف بریتانیکا*^۴ (Britannica, 2015) زبان نظام قراردادی منظمی از آواها یا نشانه‌های کلامی یا نوشتاری است که انسان‌های متعلق به یک گروه اجتماعی یا فرهنگی خاص برای نمایش و فهم ارتباطات و اندیشه‌ها به کار می‌برند. هر زبان دارای قواعد و ساختاری است که آرایش کلمات را تحت شعاع خود قرار می‌دهد. مهم‌ترین ویژگی زبان انسان

1. Salvador Tió (1911-1989)

۲. طبق آکادمی زبان اسپانیایی (چاپ بیست‌وسوم) اسپانگلیش «نوع بیان» گروهی از اسپانیایی‌زبانان ساکن ایالات متحده آمریکا است که در آن عناصر زبانی دستور و لغات باهم ترکیب می‌شود.

۳. براساس واژه‌نامه VOX زبان اسپانیایی، این پدیده گونه زبانی مرکبی از عناصر لغوی و دستوری انگلیسی و اسپانیایی است که برخی اسپانیایی‌زبان‌های ساکن آمریکا به آن صحبت می‌کنند.

4. «Language» *Encyclopædia Britannica*, 2008

دوساختی بودن آن است. در زبان‌های انسانی یک‌بار صداهای بی‌معنا باهم ترکیب می‌شود و ساخت‌های نقش‌دار یا معناداری را می‌سازد که به آن‌ها نشانه می‌گوییم. بار دیگر نشانه‌های معنادار با هم ترکیب می‌شود و پیام‌های کاملی را می‌سازد که آن‌ها را جمله می‌نامیم. ویژگی دوساختی موجب می‌شود که زبان‌های انسانی به امکانات پیچیده و گسترده‌ای دست یابند؛ یعنی، با امکانات محدود کلمات و جمله‌های بسیاری ساخته شوند. ولی در نگاهی جامع‌تر به زبان، به این نتیجه می‌رسیم که همان‌طور که مرزهای زبانی مرزهایی میان گروه‌های مردمی است، مانند ارتباطات زبانی که ارتباطاتی مردمی است، زبان نیز نقش اجتماعی دارد که هم از منظر وسیله‌ای ارتباطی و هم به‌عنوان روشی برای تشخیص گروه‌های اجتماعی کاربرد دارد.

ب) گویش

دایره‌المعارف بریتانیکا همچنین در تعریف گویش می‌نویسد: «گونه‌ای زبانی است که دستور و واژگان آن مشخص‌کننده هویت جغرافیایی گویشور آن است» (Britannica, 2015). در تعاریف دیگر می‌خوانیم که گویش به شکل‌هایی از یک زبان گفته می‌شود که تفاوت‌هایی آوایی یا دستوری دارند اما استفاده‌کنندگان دو گویش متفاوت همچنان می‌توانند نسبتاً آسان درک مطلب کنند. اگر وجه ممیزه بین دو گونه یک زبان عمدتاً در سطح واژگان و تا حدودی در سطح ساختار (نحو) باشد، این دو گونه دو گویش متفاوت از یک‌زبان است (رنجبر، ۱۳۸۸).

ج) زبان فراساخته

زبان فراساخته زبانی برنامه‌ریزی‌شده است که واج‌شناسی، دستور زبان، و واژگان آن به‌طور آگاهانه برای ارتباطات انسانی ابداع شده است و حاصل توسعه زبانی طبیعی نیست (زبان مصنوعی). برخی افراد یا گروه‌ها، به دلایل شخصی، کاربردی، ایدئولوژیکی یا برای آزمایش، زبان‌های فراساخته خاص خود را پدید آورده‌اند. زبان‌های کمکی فرامرزی (بین‌المللی) اغلب نوعی فراساخته است که سعی شده ساده‌تر از زبان‌های طبیعی باشد (European Broadcasting Union, 2013).

د) زبان میانجی

زبان میانجی (**Lingua Franca**) زبانی است که بین دو گروه استفاده می‌شود که به زبان‌های بومی مختلف سخن می‌گویند و برای یکدیگر قابل فهم نیستند. این واژه برای نخستین بار در قرون وسطی به زبان مناطقی اطلاق شد که ساکنان آن به فرانسوی و ایتالیایی صحبت می‌کردند. این زبان را بعدها صلیبیون گسترش دادند. ویژگی بارز آن شکل ثابت اسم‌ها، افعال و صفات است (Britannica, 2015).

ه) زبان آمیخته یا پی جین

زبان آمیخته یا پی جین (**Pidgin**)^۱ نوعی زبان ساده‌شده است که به‌عنوان وسیله ارتباطی میان اروپایی‌ها و غیراروپایی‌ها در قرون ۱۶ الی ۱۹ استفاده می‌شده است. این زبان در مناطق تجاری و نیز در جوامع مستعمره کاربرد داشته و هیچ‌گونه شواهدی مبنی بر استفاده بومی از آن به ثبت نرسیده است (Britannica, 2015).

و) زبان کریول

زبان کریول زبانی پایدار و طبیعی است که از یک زبان آمیخته پدید آمده است. به‌عبارت دیگر، زبان آمیخته هنگامی که به وضعیت پایدار برسد و کودکان مثل زبان مادری بیاموزند به کریول تبدیل می‌شود (Wardhaugh, 2002). نتیجه اینکه با توجه به تعاریف ارائه‌شده و تطبیق آن‌ها با ویژگی‌های زبانی و جامعه‌شناختی اسپانگلیش بهتر است، طبق دلایل زیر در قالب کریول طبقه‌بندی شود:

۱. این پدیده قواعد ساختاری مشخصی ندارد، بنابراین «زبان معیار» محسوب نمی‌شود.
۲. گویش نیست، چراکه از ترکیب دو زبان ایجاد می‌شود، درحالی‌که گویش شکل تغییر یافته از یک زبان است و لزوماً با زبان دیگر آمیخته نشده است.
۳. زبان‌های فراساخته نیز به دلیل داشتن استفاده‌ها و قواعد خاص خود اسپانگلیش را دربر نمی‌گیرد.

۱. نیم‌زبان واژه مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی به‌جای pidgin در انگلیسی و در حوزه زبان‌شناسی است (فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۸۳، بازبینی شده در ۱ دی ۱۳۹۰).

۴. زبان میانجی زبان معیار است، ولی در محیطی که افراد با زبان‌های مادری مختلف برای برقراری ارتباط از آن استفاده می‌کنند؛ مانند شخصی فارسی‌زبان در مسکو، که به دلیل عدم آشنایی با روسی، برای برقراری تماس با دیگران از انگلیسی استفاده می‌کند.
۵. اسپانگلیسی بیشتر در مناطقی صحبت می‌شود که قبلاً تحت سلطه استعمار بوده است.
۶. نیم‌زبان گونه‌ای از یک زبان است که برای اهداف عملی‌تری مانند تجارت، در میان گروهی از مردم که زبان یکدیگر را نمی‌دانند به وجود آمده است. بدین ترتیب هیچ گویشور بومی‌ای ندارد.
۷. از مشخصات پی‌جین نداشتن ساختار دستوری پیچیده همچنین واژگان محدود است.
۸. نحو زبان‌های آمیخته ممکن است با نحو زبان‌هایی که کلمه‌ها از آن‌ها وام‌گیری و تعدیل می‌شود کاملاً متفاوت باشد.
۹. اگر پی‌جین یا زبان آمیخته نقشی فراتر از نقش خود ایفا کند و به صورت زبان اول جامعه درآید آن را کریول می‌نامند.
- با دقت در عبارات بالا درمی‌یابیم که اسپانگلیش بیش از هر چیز شبیه به کریول است، چرا که کریول شکل پایدارتر پی‌جین است و این ظرفیت را دارد که در آینده به زبان مادری فرزندان نسل جدید تبدیل شود.

روند ایجاد اسپانگلیسی

برای بررسی پروسه ایجاد اسپانگلیسی که عموماً در جوامع دوزبانه (اسپانیایی و انگلیسی) رخ می‌دهد، به عوامل تأثیرگذار متعددی دسترسی داریم. در ادامه نقش این عوامل، با توجه به اثری که دارند، در قالب دلایل روان‌شناختی، دلایل جامعه‌شناختی، دوزبانگی، تغییر و ترکیب رمزها، وام‌واژه‌ها، همچنین دو عامل مؤثر دیگر به نام‌های مهاجرت و جهانی شدن بیان شده است. شایان ذکر است، هر چند شاید بتوان گفت که دو عامل آخر را می‌توان از نگاه جامعه‌شناسانه تحلیل کرد، به دلیل اهمیت و گستردگی بحث، به صورت جداگانه و متمایز از دلایل جامعه‌شناختی بررسی شده است.

برهان روان‌شناختی

وقتی اسپانیایی‌زبانی به یکی از ایالات جنوب آمریکا سفر یا برای زندگی به آنجا مهاجرت می‌کند، در محیطی قرار می‌گیرد که دیگر قادر نیست مطلقاً زبان مادری خود را صحبت کند (به جز در خانه)، چرا که فهمیده نمی‌شود. به علاوه، به احتمال قوی تسلط کافی بر زبان انگلیسی نیز ندارد. بنابراین، در این دوره از زندگی، مغز او به‌طور خودکار شروع به جستجوی راه‌حلی برای برطرف کردن معضل ارتباط شخص با دیگران می‌کند. بدین منظور شخص به سرعت به دنبال یادگیری زبان انگلیسی می‌رود. به دلیل اینکه در ارتباط با اشخاص و محیط انگلیسی است، پروسه یادگیری بسیار سریع‌تر صورت می‌گیرد. کم‌کم کلمات اسپانیایی‌ای که به‌طور روزمره استفاده می‌کرد، جای خود را در حافظه دیداری و شنوایی او به معادل انگلیسی‌شان می‌دهد. بدین ترتیب، ذهن او وارد مرحله‌ای می‌شود که لغات اسپانیایی در حافظه درازمدت و لغات انگلیسی در حافظه کوتاه‌مدت او جای می‌گیرد. در این مرحله شخص نه کامل به زبان انگلیسی سخن می‌گوید و نه مطلقاً اسپانیایی. اینجا اسپانگلیسی زاده می‌شود^۱ (Arefi, 1391). بنابراین، اگر کودکی به‌طور هم‌زمان، زبان اسپانیایی را از والدینش و زبان انگلیسی را از محیط اطرافش فراگیرد، آن وقت ممکن است حتی متوجه تمایز بین این دو زبان نشود. لغتنامه روان‌شناسی AlleyDog می‌نویسد: «نیم‌زبان‌ها در جوامعی ایجاد می‌شود که در آن دو زبان مختلف هم‌زیستی دارد. یا به عبارتی، مردمان ساکن یک منطقه ایجاد کرده‌اند که به لحاظ زبانی نقطه مشترکی ندارند. اگر این نیم‌زبان‌ها به تدریج تبدیل به زبان رایج منطقه شود کریول نامیده می‌شود (AlleyDog, 2016).

برهان جامعه‌شناختی

به لحاظ جامعه‌شناختی، این پدیده زبانی را اغلب جوانان استفاده می‌کنند. در توجیه این قضیه، تحقیق‌ها نشان داده‌اند که چون این قشر بیشتر دنبال مدرنیته و نوعی تحول در تمامی عرصه‌های زندگی است، بنابراین در زمینه نحوه بیان کلمات نیز ترجیح می‌دهند به‌جای سعی در استفاده صحیح و مطلق از یک زبان، هر دو را در بیان با هم بیامیزند و گونه جدیدی به نام اسپانگلیش خلق کنند. نمونه بارز آن نیز در جوانان فارسی‌زبان در ایران نیز دیده می‌شود؛ برای

۱. برگرفته از مقاله «دو زبانی و جامعه‌پذیری مجدد، نگاهی نو از زاویه روان‌شناسی اجتماعی» نوشته مرضیه عارفی.

مثال، خیلی وقت‌ها ترجیح می‌دهند از واژه OK برای تأیید استفاده کنند تا اینکه آن را به شیوه عادی و سنتی تر «بله» بگویند. به‌طور کلی، دوزبانه به کسی اطلاق می‌شود که بتواند از دو زبان برای برقراری ارتباط استفاده کند. برای مثال، کشور کانادا رسماً کشوری دوزبانه است و زبان‌های فرانسه و انگلیسی زبان‌های رسمی در این کشور است. به رسمیت شناختن موقعیت گویشوران فرانسوی‌زبان این کشور که بیشتر در کبک ساکن‌اند بدون کشمکش‌های سیاسی صورت نگرفته است، زیرا کشور کانادا در طول تاریخ، اساساً کشوری انگلیسی‌زبان با اقلیتی فرانسوی‌زبان بوده است. در چنین موقعیتی، دوزبانگی که در سطح فردی وجود دارد، به‌مرور مشخصه اقلیت می‌شود. در این نوع دوزبانگی، عضوی از اقلیت در یک جامعهٔ زبانی رشد می‌کند. در وهلهٔ اول، به یک‌زبان، مثلاً گالی، سخن می‌گوید (این مورد سال‌ها در بخش‌هایی از اسکاتلند وجود داشته است)، ولی زبان دیگری مثل انگلیسی را برای مشارکت در جامعهٔ زبانی وسیع‌تر به کار می‌گیرد (Tebyan, 2010).

برهان زبان‌شناختی

دو زبانی

برای تعریف دوزبانگی معیارهای مختلفی ذکر شده است، اما شاید بتوان بهترین تعریف را از آن واین رایش (Weinreich, 1953) دانست. معیار مورد نظر او «توانایی رمزگردانی» است. هرگاه فرد بتواند بین دو زبان به‌راحتی رمزگردانی کند، دوزبانه است. رمزگردانی بدین معناست که فرد دوزبانه در موقعیتی خاص و به دلایل اجتماعی، روانی و مردم‌شناختی، به‌طور خودآگاه، عناصر یک زبان را در روند زبان دیگری وارد می‌کند. بدین منظور فرد هر دو زبان را به گونه‌ای ادغام می‌کند. افرادی که از اسپانگلیش استفاده می‌کنند، دائماً به دلایل روانی و اجتماعی، و معمولاً خودآگاه، از رمزگردانی (زبان‌های انگلیسی و اسپانیایی) استفاده می‌کنند.

تغییر و ترکیب رمزها

در زبان‌شناسی اصطلاح تغییر رمز (Code Switching) به موقعیتی اشاره دارد که در آن سخنگو از جابه‌جاکردن ساختار و عبارات دو زبان، یا گونه‌های مختلف یک زبان، برای پیشبرد گفتمان استفاده می‌کند (یول، ج مطالعهٔ زبان، 1996). برای مثال، زمانی که فردی یک جمله را به اسپانیایی بیان کند و جملهٔ بعدی را که نتیجهٔ آن است به انگلیسی بگوید، از تغییر رمز بهره

جسته است. سخنگو در این موقع معمولاً به کاری که انجام می‌دهد توجه ندارد و شاید به این دلیل است که بیشتر تمرکز خود را صرف ایده و مفهوم جملات می‌کند. اسپانگلیسی نیز اغلب ابزاری برای بیان مفهوم مورد نظر است.

از طرفی دیگر، اصطلاح ترکیب رمز (Code Mixing) که گاهی با مورد قبلی اشتباه گرفته می‌شود، به معنای استفاده از دو زبان به صورت هم‌زمان در یک جمله است (Muysken, 2000). برای مثال، وقتی فارسی‌زبانی می‌گوید: «می‌روم از بانک پول چنج کنم»، ترکیب رمز صورت گرفته است. وقتی به متون و مکالمه‌های اسپانگلیسی دقت می‌کنیم، درمی‌یابیم که «ترکیب رمزها» رایج‌ترین امری است که در بین جامعه زبانی مورد بررسی ما وجود دارد. برای نمونه، بخشی از فصل اول رمان *دون کیشوت* (Stavans, 2005) را که ایلین استاوانس ترجمه کرده است، در ادامه آورده‌ایم (Quixote, 2005).

In un placete de La Mancha of which nombre no quiero remembrearme, vivía, not so long ago, uno de esos gentlemen who always tienen una lanza in the rack, una buckler antigua, a skinny caballo y un grayhound para el chase. A cazuela with más beef than mutón, carne choppeada para la dinner, un omelet pa' los Sábados, lentil pa' los Viernes, y algún pigeon como delicacy especial pa' los Domingos, consumían tres cuarers de su income. (Stavans)

در یکی از قصبات ولایت مانش که نمی‌خواهم نام آن را به‌یاد آورم، دیر زمانی نیست که نجیب‌زاده‌ای زندگی می‌کرد؛ از آنان که نیزه و سپر کهنه در مقر اسلحه‌خانه خود و یابویی مردنی و تازی شکاری دارند. تقریباً هر شب یک دیزی آبگوشت، آن هم بیشتر از گوشت گوسفند نه گاو، و یک سالاد سرکه، و شنبه‌ها خاگینه با چربی خوک و جمعه‌ها عدس پخته و یکشنبه‌ها علاوه بر غذای معمول جوجه کبوتری نیز، سه‌چهارم از عایدی او را تحلیل می‌برد.

وام‌واژه

وام‌واژه یا واژه عاریتی کلمه‌ای است که از زبانی به زبان دیگر وارد شده است. برای نمونه واژه‌های ترومپت، تلفن و اتومبیل از زبان فرانسه به فارسی راه یافته و به همان شکل متداول است؛ اتاق از ترکی و چمدان و ترمز از روسی به زبان فارسی راه یافته است (میرفضایلیان، ۱۳۸۵). برخی وام‌واژه‌ها در زبان مقصد معادل دارد (در فارسی مانند

دورنگار به جای فکس یا سامانه به جای سیستم)، و برخی ندارد (مانند تلفن، رادیو و تلویزیون در فارسی). به وام‌واژه‌های انگلیسی که در زبان دیگر استفاده می‌شود آنگلیسیسم گفته می‌شود. تعداد آن‌ها در اسپانیایی بی‌شمار است و شاید روزانه یک اسپانیایی زبان بارها از این نوع واژه‌ها استفاده کند. این گروه از کلمات نیز باعث تسهیل ایجاد این نیم‌زبان در مناطق یادشده بوده است.

تحولات اجتماعی

مهاجرت

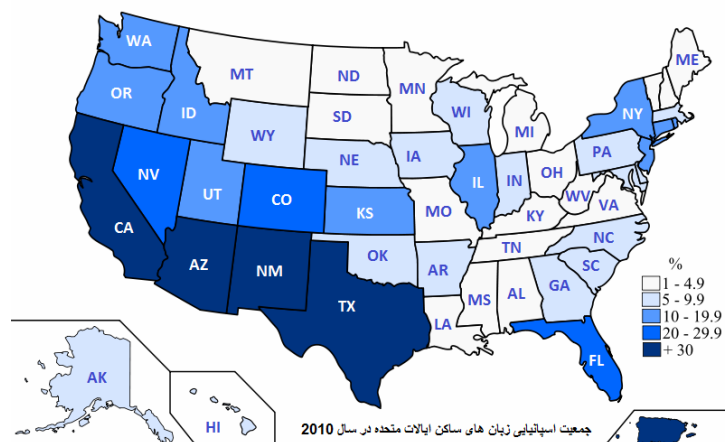
مسئله مهاجرت که در طول تاریخ تاکنون به صورت دوسویه در جامعه زبانی مورد تحقیق ما وجود داشته (از آمریکا به مکزیکی و از مکزیکی به آمریکا)، باعث فراهم آمدن محیطی دوزبانه یا به بیان دیگر برخورد زبان‌های انگلیسی و اسپانیایی شده، که در نتیجه آن اسپانگلیسی ایجاد شده است.

پس از انعقاد معاهده گوادالوپه-هیدالگو و به دنبال آن الحاق کالیفرنیا و سایر ایالات مکزیکی (کلرادو، آریزونا، نیومکزیکو و یوتا) به آمریکا، حدود ۲۵ درصد جمعیت مکزیکی‌های ساکن آن، این مناطق را تخلیه کردند که به اصطلاح اسپانیایی به آن‌ها «چیکانو»^۱ گفته می‌شود و برای داشتن زندگی آسوده‌ای به قلمرو کشور خود سرازیر شدند (شمال کشور مکزیکی کنونی). در حقیقت، چیکانو طبق فرهنگ لغت اسپانیایی مکزیکی تباری است که شهروندی ایالات متحده را برای خود اتخاذ کرده است. اما شایان ذکر است که زبان آن‌ها الزاماً اسپانگلیسی نبود، بلکه معمولاً یا انگلیسی با لهجه آمریکایی یا اسپانیایی با لهجه مکزیکی بود (Real Academia Español, 2015; U. S. Department of Labor, 2015).

در سال ۱۹۴۲، درست پس از جنگ جهانی دوم، ایالات متحده به دلیل کمبود نیروی کار، تفاهمنامه‌ای با کشور همسایه، مکزیکی، امضا کرد که طی آن مقرر شد کارگران مکزیکی به صورت استخدام رسمی در بخش کشاورزی آمریکا فعالیت کنند. در نتیجه این پیمان، در همان سال ۴۲۰۳ نیروی کار اغلب روستایی، از مکزیکی به آمریکا آمدند. این رقم در سال ۱۹۵۱ به ۱۹۲ هزار نفر و در سال ۱۹۵۶ به ۴۴۵ هزار نفر افزایش یافت. در نهایت، در

1. Chicano

سال ۱۹۶۴ با استخدام ۱۷۷ هزار نفر، این قرارداد به اتمام رسید. در مجموع، ۴/۶ میلیون نفر در این سال‌ها به استخدام رسمی دولت واشنگتن درآمدند. در دهه دیگر، برای هر مکزیک‌موقعیت کار و درآمد در کشور همسایه آشکار شده بود و آمار مهاجرت از مکزیک به ایالات متحده در دهه هشتاد به بالاترین حد خود در شصت سال گذشته‌اش رسید. آمار دهه نود قرن بیستم تاکنون در شکل ۱ مشخص شده است (U. S. Department of Labor, 2015).



شکل ۱. آمار مرکز سرشماری ایالات متحده و نظرسنجی جمعیت کنونی مرکز آمارهای کاری (۲۰۱۰)

همان‌طور که از آمارها مشاهده می‌کنیم، سیر مهاجرت از مکزیک به آمریکا تقریباً همواره رو به رشد بوده است، و پیش‌بینی می‌شود که همین روند ادامه یابد؛ این مسئله در کنار افزایش جمعیت در ایالات متحده، زمینه‌ساز گسترش جامعه دوزبانه و در نتیجه تقویت حضور اسپانگلیسی‌ها و این نیم‌زبان در آینده شود؛ موضوعی که بی‌شک اساسی‌ترین دلیل ایجاد اسپانگلیسی در این مناطق است.

جهانی‌شدن

جهانی‌شدن پدیده‌ای انکارناپذیر در جهان امروز است که با پیشرفت‌های روزافزون علم بشری به‌ویژه در عرصه فناوری و ارتباطات رابطه مستقیم دارد. انقلابی که در فناوری اطلاعات رخ داده است، به جهانی‌شدن کمک کرده تا با سرعت بیشتری حرکت کند. جامعه‌ای سستی بر

پایه یک سری روابط اجتماعی نباشد که در زمان و فضا جا گرفته است (Nazemzadeh, 2008). جهانی شدن در حقیقت یکی از مراحل پیدایش و گسترش تجدد و سرمایه‌داری جهانی است که سابقه آن، به قرن پانزدهم بازمی‌گردد (Sweezy, 1997).

بزرگ‌ترین سازنده‌ها و سردمداران محبوب‌ترین فناوری قرن بیستم، یعنی یارانه، دارای اصالت انگلیسی‌زبان بودند، به همین دلیل از این طریق به‌راحتی زبان خود را «زبان معیار بین‌المللی» به دنیا تحمیل کردند. از آن پس، تأثیر انگلیسی در سایر زبان‌ها به‌راحتی مشهود بود. اسپانیایی‌زبان‌ها هم، با حدود ۵۰۰ میلیون گویشور در سطح دنیا، از این قاعده مستثنا نبودند. این اثرپذیری بیشتر از طریق «نوواژه‌ها»^۱ صورت گرفت.

نوواژه واژه‌ای ابداعی است و به واژه‌ای جدید گفته می‌شود که از یک یا چند واژه موجود ساخته شده باشد (مثل netiquette از network و etiquette)؛ یا معنایی نو به آن کلمه موجود داده باشد. اصطلاح «نوواژه» به مواردی گفته می‌شود که در آن واژه‌ای کاملاً نوساخته می‌شود، مانند اسپیرین و گاز در فارسی (صلح‌جو، ۱۳۸۶).

همان‌گونه که در بین فارسی‌زبانان نیز مشهود است، اسپانیایی‌ها نیز برای تسهیل در گفتار بسیاری از اوقات ترجیح می‌دهند به‌جای ترجمه نوواژه‌ها از همان معادل رایج انگلیسی آن استفاده کنند. اگرچه پدیده جهانی شدن ایجاد این پی‌جین را در منطقه مورد بررسی ما تشدید کرده است، آثار آن بیشتر در مناطقی مثل اسپانیا یا آرژانتین قابل بررسی است، چرا که این نواحی غالباً جوامع دوزبانه نیستند و برخورد زبانی در نتیجه مهاجرت یا عوامل دیگر صورت نگرفته است.

الف) وضعیت کنونی زبان اسپانیایی

به‌منظور بررسی خطرهای زبان‌شناختی که ممکن است یک زبان زنده دنیا را تهدید کند، لازم است ابتدا وضعیت کنونی آن را در جهان بررسی کنیم. بدین منظور، این بخش از تحقیق را به بررسی این موضوع اختصاص داده‌ایم. در اینجا از یک سری نکات آماری ارائه شده در مقاله‌ای به نام «اسپانیول، زبان زنده» تهیه شده توسط مؤسسه سروانتس اسپانیا در سال ۲۰۱۳ بر اساس به‌روزترین سرشماری‌ها و اطلاعات موجود یاری جسته‌ایم (Cervantes, 2013).

1. Neologism

- امروزه بیش از ۵۰۰ میلیون نفر در دنیا اسپانیولی صحبت می‌کند.
 - زبان اسپانیایی دومین زبان زنده دنیا بر اساس تعداد صحبت‌کننده، همچنین دومین زبان در ارتباطات بین‌المللی است.
 - به دلایل جمعیتی، تعداد اسپانیایی‌زبان‌ها در دنیا در حال افزایش است، درحالی‌که تعداد افرادی که چینی و انگلیسی صحبت می‌کنند در حال کاهش است.
 - در سال ۲۰۳۰، ۷/۵ درصد مردم دنیا اسپانیولی زبان خواهند بود (۵۳۵ میلیون نفر)؛ آماري که به‌مراتب بالاتر از زبان روسی (با ۲/۲ درصد)، فرانسوی (با ۱/۴ درصد) و آلمانی (با ۱/۲ درصد) است.
 - در سه یا چهار نسل آینده بشر، ۱۰٪ مردم جهان اسپانیایی می‌فهمند.
 - در سال ۲۰۵۰، ایالات‌متحده اولین کشور اسپانیایی‌زبان دنیاست (از حیث جمعیت).
 - تقریباً ۲۰ میلیون دانشجوی اسپانیایی را به‌عنوان زبان دوم می‌آموزند.
- هرچند این مقاله به‌صورت مفصل و جزئی شرایط کنونی این زبان را در دنیا آشکار می‌سازد، برای درک موضوع به همین مقدار از آن بسنده می‌کنیم.

ب) نفوذ و گسترش اسپانگلیسی

پس از پی‌بردن به پویایی زبان اسپانیایی لازم است نگاهی نیز به گستردگی ابعاد اسپانگلیسی در ایالات‌متحده داشته باشیم. به‌طورکلی، این نیم‌زبان در دو نوع «گفتار» و «نوشتار» در این جوامع ظهور پیدا کرده است. در ایالات‌متحده برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی خاصی به زبان اسپانیایی پخش می‌شود که دائم این زبان را با اسپانگلیش ادغام می‌کنند. برنامه‌هایی مثل *Sábado Gigante* (طنز) یا *Show de Cristina* را می‌توان برای این مورد مثال زد. استفاده از این پی‌جین در بین سیاستمداران و دانشمندان اسپانیایی‌زبان نیز رواج دارد که در مراکز علمی و فرهنگی انگلیسی‌زبان سخنرانی می‌کنند. در عرصه پخش رادیویی نیز اد گومز، مجری برنامه KABQ، از پیشکسوتان این زمینه به‌حساب می‌آید. همچنین، شاید بتوان گفت این نیم‌زبان در تمامی عرصه‌های فرهنگی از قبیل موسیقی، فیلم و سریال و هنر به‌صورت شفاهی ظهور پیدا کرده است (Avalos, 2001).

در این زمینه می‌توان از فیلم سینمایی اسپانگلیش جیمز ال بروکس آمریکایی نام برد. در این فیلم نویسنده داستان مادر و دختری مکزیکی را روایت می‌کند که برای بهبود وضع زندگی

خود با اتوبوس مسیری طولانی را از تگزاس تا کالیفرنیا جنوبی طی می‌کنند تا به کار مستخدمی خانواده‌ای آمریکایی (انگلیسی‌زبان) مشغول شوند. فیلم نشان می‌دهد که بیشترین تأثیرپذیری چه از لحاظ فرهنگی و چه زبانی، از سوی خانواده مکزیکی است. بدین معنا که مادر و دختر مکزیکی هر دو در آخر فیلم مجبور به یادگیری و استفاده از ابزار فرهنگی آمریکایی‌ها (رسوم و زبان) می‌شوند، درحالی‌که خانواده ساکن ایالات متحده، از لحاظ طبقه اجتماعی بالاتر و کاملاً مسلط‌تر نشان داده می‌شود.

تأثیر اسپانگلیسی در نوشتار نیز امروزه بسیار مشهود است. شاید بتوان گفت این نوع تأثیر را اولین بار بیل تک^۱ با انتشار مجله^۲ *Generation N* در ایالات متحده در سال ۲۰۰۱ آشکار کرد. این مجله با هدف گسترش فرهنگ لاتینی‌ها در این کشور راه‌اندازی شد.

تأثیر اسپانگلیسی در ادبیات و آثار ادبی را برای نخستین بار گروهی از نویسندگان و شعرای اهل پورتوریکو و بزرگ‌شده نیویورک به نام *Nuyorican Writers*^۳، و سپس در سال ۱۹۷۰ با نام رسمی *Nuyorican Poets Café* تثبیت کردند. این گروه از نویسندگان عضو نهضت پیشرو یا آوانگارد (*vanguard*)، از جمله حامیان ایجاد و تثبیت فرهنگ دوگانه لاتینی-انگلیسی بودند. شکل ۱ حضور فعال این نیم‌زبان را در جای‌جای ایالات متحده آمریکا (آمار سال ۲۰۱۰) نشان می‌دهد.

ج) ریشه تهدیدها

همان‌طور که در قسمت‌های قبل مشاهده کردیم، اگرچه اسپانگلیسی به صورت خودجوش و فعال در جای‌جای ایالات متحده حضور دارد، طبق آمار سال ۲۰۱۴، زبان اسپانیایی نه تنها همچنان پویایی قابل مشاهده‌ای در جهان دارد، بلکه پیش‌بینی‌ها نیز آینده درخشانی را برای این زبان در نظر می‌گیرد (Census Bureau, 2014). به همین دلیل، بسیاری از کارشناسان، وجود اسپانگلیسی را به هیچ‌وجه خطر یا تهدیدی برای این زبان به حساب نمی‌آورند، با اینکه عده‌ای نیز معتقدند، هرچند تهدید خاصی به شمار نیاید، ولی خلوص و یکدستی این زبان زنده دنیا را

^۱ Bill Teck

^۲ <http://www.generation-n.com>

^۳ برای توضیحات بیشتر به این آدرس مراجعه کنید:

http://cvc.cervantes.es/el_rinconete/antiores/junio_04/16062004_01.htm

کاهش می‌دهد، یا به قولی یک "آلوده‌کننده زبانی" به شمار می‌آید، و زبان اسپانیایی که در آینده صحبت می‌شود و احتمالاً سرشار از وام‌واژه‌ها و گونه‌های مختلف زبانی دیگر است. بر همین اساس با اسپانگلیسی و موارد مشابه آن مخالفت می‌کنند. در ادامه به بررسی برخی افراد، جریان‌ها و نظریات موافق و مخالف در این زمینه پرداخته‌ایم.

د) مواضع موافقان و مخالفان

ایلان استاوانس^۱

ایلان استاوانس که اصالتاً از خانواده یهودی اروپای شرقی است، در سال ۱۹۶۱ در مکزیک به دنیا آمد. او استاد دانشگاه، زبان‌شناس، منتقد فرهنگی، داستان‌سرا و ویراستار است. شهرت جهانی او بر پایه آثار مثبتی بر زبان‌شناسی، فرهنگ، هویت و تاریخ است. شاید بتوان او را مطرح‌ترین طرفدار و بنیان‌گذار رسمی‌سازی اسپانگلیسی در دنیا نام برد. این عنوان را به خاطر کتاب معروفش *Spanglish, the making of new american language* (اسپانگلیسی، ایجاد زبان جدید آمریکایی) به او نسبت می‌دهند. او در این کتاب، که همچنین مقاله‌ای دانشگاهی به حساب می‌آید، ۶۰۰۰ هزار واژه اسپانگلیسی را جمع‌آوری کرده و در پایان فصل اول کتاب دن کیشوت اثر سروانتس را به اسپانگلیسی ترجمه کرده است. او هم‌اکنون استاد فرهنگ لاتینی و آمریکای لاتین در کالج آمهرست در شهر آمهرست در ایالت ماساچوست ایالات متحده آمریکا است (Stavans, 2008). وی اسپانگلیسی را به منزله ابراز بیگانگی با فرهنگ ایالات متحده نمی‌بیند بلکه آن را تلاشی برای شکستن بیگانگی و یافتن راهی برای تلفیق لاتینی، اگرچه به شیوه خودمانی می‌داند و معتقد است کسانی که به این نیم‌زبان سخن می‌گویند در حال ساخت هویتی مثبت‌اند و به نظر می‌رسد که استفاده از آن، آمریکایی‌شدن آن‌ها را تسهیل و تسریع می‌سازد. استاوانس خطاب به کسانی که نگران‌اند این پی‌جین انگلیسی یا اسپانیولی را خراب کند می‌گوید: «زبان به‌طور مداوم در حال خراب‌شدن است. اسپانگلیسی بیشتر از زبان نوجوانان، ورزش، بازاریابی و جزآن و یا هر زبان خارجی دیگری زبان انگلیسی را آلوده نمی‌کند.» وی ادامه می‌دهد: «اسپانگلیسی باید جایگاهی برای فرایند آموختن انگلیسی استفاده شود و لازم است تأکید کنم هر چند اسپانگلیسی جالب و مد روز است، ولی تنها راهی که افراد لاتین تبار می‌توانند کاملاً آمریکایی

1. Ilan Stavans

شوند از طریق آموختن زبان انگلیسی است. البته، این بدان معنا نیست که باید اسپانگلیسی را رها سازند، بلکه لازم است از آن به عنوان عنصری مهم برای ورود به جامعه آمریکا استفاده کنند.» طبق نظر این استاد دانشگاه، اسپانگلیسی راهی برای گفتن این نکته است که «من آمریکایی ام و شیوه خودم، سلیقه خودم، و زبان خودم را دارم» (Cambridge, 2000).

کارلوس فونتس^۱

کارلوس فونتس یکی از پرآوازه ترین نویسندگان اسپانیایی زبان قرن بیستم بود. این نویسنده مکزیکی نظریه‌ها و پژوهش‌های فراوانی را در زمینه زبان‌شناسی در پرونده خود به ثبت رسانده است. از گفته‌های او در زمینه دوزبانگی و اشاراتش به اسپانگلیسی، کاملاً واضح است که وی اعتقادی به یکدست بودن و همگونی زبان‌ها ندارد. او در مصاحبه‌ای با خبرنگار روزنامه *ال پاپس اسپانیا* اظهار داشت: «من نه اعتقاد به یکدستی و همگونی زبان‌ها و نه حتی به آداب و رسوم دارم. در جهانی ناخالص زندگی می‌کنیم و با همین ناهمگونی باید شاد زندگی کرد» (Rituerto, 2013).

ساموئل هانتینگتون^۲

ساموئل هانتینگتون یکی از تأثیرگذارترین نظریه‌پردازان آمریکایی حوزه مطالعات سیاسی و بین‌المللی در قرن بیستم بود. او در مقالات خود بیش از اینکه بر اسپانگلیسی تمرکز کند، به موضوع دوزبانگی در ایالات متحده تأکید می‌کند که ارتباط یا ادغام زبانی و فرهنگی ایالات متحده و بزرگ‌ترین همسایه جهان سومی‌اش، یعنی مکزیک، یکدستی فرهنگی آمریکا را به خطر می‌اندازد.

او دلایلی برای این مسئله بیان می‌کند، از جمله گستردگی مرز بین آمریکا و مکزیک (به نظر او بزرگ‌ترین همسایه بین کشوری پیشرفته و کشوری جهان سومی)، همچنین سیر مهاجرت عظیم غیرقانونی مکزیکی‌ها به ایالات متحده که برای مثال در سال ۲۰۰۰ به رقم ۴/۸ مهاجر غیرقانونی، یعنی ۶۹٪ مهاجران غیرقانونی این کشور رسید (Porvaldsdóttir, Spanglish, ¿Un fenómeno pasajero o una nueva lengua?, 2009).

1. Carlos Fuentes
2. Samuel Huntington

تعداد عظیم اسپانیایی‌ها در آمریکا، همچنین سعی آن‌ها بر حفظ عناصر زبان و فرهنگ، جزء دغدغه‌های اصلی هائیتینگتون بود، چرا که او معتقد بود که اسپانگلیسی به‌زودی به فرهنگ تبدیل می‌شود و سبب تحول عظیم فرهنگی در این کشور خواهد بود.

روبرتو گنزالز اچواریا^۱

روبرتو گنزالز اچواریا استاد زبان و ادبیات اسپانیایی دانشگاه ییل ایالات متحده است. او صریحاً معتقد است که حرف‌زدن به اسپانگلیسی از ارزش زبان اسپانیولی می‌کاهد. به‌علاوه آن را خطری جدی برای زندگی و فرهنگ اسپانیایی می‌داند. به نظر اچواریا استفاده‌کنندگان اسپانگلیسی عموماً افراد فقیر و بی‌سوادند و ایده‌ای در این زمینه ندارند، درحالی‌که افراد تحصیل‌کرده ترجیح می‌دهند یا به زبان اصلی خود و یا از ترجمه صحیح آن در جاهای مختلف استفاده کنند. وی ادامه می‌دهد که این شیوه گفتاری سیاستی برای منزوی کردن جامعه اسپانیایی‌زبان است. در نهایت، پیشنهاد می‌کند مهاجران اسپانیایی‌زبان به‌جای استفاده از اسپانگلیسی سعی کنند در کنار استفاده صحیح از زبان خود، انگلیسی را بیاموزند (Echeverría, 1997).

خراردو پینیا روسالس^۲

خراردو پینیا روسالس، رئیس مؤسسه زبان اسپانیایی در ایالات متحده^۳، پی‌جین را مشکل‌چندانی برای زبان اسپانیایی به حساب نمی‌آورد، چرا که معتقد است اسپانگلیسی اصلاً مقوله‌ای زبانی و اجتماعی نیست، بلکه راهی برای انزوای یک سری از افراد است که می‌خواهند با لاتینی‌ها ارتباط برقرار کنند، اما به زبان اسپانیایی تسلط کافی ندارند. از نظر او اسپانگلیسی در آمریکا به‌هیچ‌وجه تبدیل به زبان نمی‌شود (El País, 2013).

خاویر والنزولا^۴

خاویر والنزولا، نویسنده و روزنامه‌نگار اسپانیایی که سی سال در خبرگزاری ال پاپیس این کشور عضو بوده و فعالیت کرده است، دیدگاه خود را در مورد اسپانگلیسی این‌گونه بیان می‌کند: «یکدستی و پاکی زبانی وجود ندارد. همه زبان‌ها از هم تأثیر می‌پذیرند و دائماً

1. Roberto González Echevarría
2. Gerardo Piña-Rosales
3. Academia Norteamericana de la Lengua Española (ANLE)
4. Javier Valenzuela

در حال تغییرند. اسپانگلیسی فقط نمونه‌ای از این پروسه است. خلاقیت زبانی انسان‌ها را نشان می‌دهد» (Valenzuela, 1997). بنابراین او نیز از آن دسته موافقانی است که عقیده دارد، این پی‌جین تهدیدی برای اسپانیولی به حساب نمی‌آید، بلکه محصول تحولات زبانی است.

نهضت English-only

نهضت English-only جنبشی خودجوش، فعال و سیاسی (ملی‌گرایانه) است که به دنبال تثبیت زبان انگلیسی به عنوان تنها زبان رسمی در ایالات متحده است. طرفداران این نهضت بر این باورند که این اقدام نه تنها زبان انگلیسی را در کشور تقویت می‌کند، بلکه باعث ایجاد فرصتی مناسب برای یادگیری زبان انگلیسی توسط مهاجران به این کشور می‌شود.

اگرچه تمام اسناد دولتی این کشور به زبان انگلیسی است، دولت مرکزی این زبان هیچ زبانی را به عنوان زبان رسمی تعیین نکرده است. این زبان در ۲۸ ایالت به تنهایی زبان رسمی به حساب می‌آید. در همین راستا، در سال ۱۹۸۳ دکتر جان تتون و سناتور هایاکاوا سازمان U.S. English¹ را در حمایت از استفاده از انگلیسی به عنوان زبان رسمی در آمریکا دایر کردند (Proenglish.org, 2008).

نتیجه‌گیری

در این کار پژوهشی ابتدا سعی شد این پدیده زبانی به لحاظ تاریخی، ریشه و قالب زبانی و سپس از دیدگاه تأثیراتی که بر جامعه گذاشته و از آن تأثیر پذیرفته بررسی شود. در ادامه به بیان نظرات منتقدان و طرفداران این نیم‌زبان پرداختیم. همان‌طور که قبلاً مشخص شد که این پدیده به نظر در قالب زبان کریول می‌گنجد، و با توجه به حقایقی که در این زمینه وجود دارد، می‌توان به نتایج زیر دست یافت:

— اسپانگلیسی حاصل هم‌زیستی دو گروه از انسان‌ها با فرهنگ و زبان مختلف، و یا به اصطلاح میوه جامعه‌ای دوزبانه است.

1. www.us-english.org

- این نیم‌زبان دارای قاعده و ساختار زبانی و عبارت‌نوساخته و آن‌چنان منسجمی نیست و تمامی الفاظ جدید آن تلفیقی از انگلیسی و اسپانیایی است.
- قشر جوان به دلیل تنوع دوستی، علاقه خاصی به دیگر اقشار جامعه، در استفاده از آن دارند.
- به لحاظ پیچیدگی ساختاری و طرز استفاده فرد از اسپانگلیسی نمی‌توان برای آن شدت و ضعف (غلظت و رقت) خاصی در نظر گرفت، اما از نظر تعداد گویشوران محتمل بر افزایش و کاهش است.
- به دلیل ارتباط تنگاتنگ لاتینی‌ها و آمریکایی‌ها در جامعه مورد بررسی ما، گسترش سریع علم و فناوری (جهانی‌شدن) و افزایش نرخ مهاجرت از مکزیک و سایر کشورهای اسپانیایی‌زبان به ایالات متحده، پیشرفت این پدیده تقریباً مهارنشده است.
- اگرچه دارای قواعد زبانی منسجم نیست، به دلیل سهولت در برقراری ارتباط، بسیاری از افراد این جوامع ترجیح می‌دهند از آن استفاده کنند.
- همان‌طور که مشاهده کردیم، امروزه این نیم‌زبان از دوره انزوای گذشته عبور کرده و در دانشگاه‌ها، هنر، موسیقی، ادبیات، رسانه، مراکز آموزشی و تجاری و حتی دولت نفوذ کرده است.
- اگرچه تبدیل اسپانگلیسی به زبانی قاعده‌مند دشوار است، اما تبدیل آن به عنصری هویت‌ساز در این جوامع امکان‌پذیر است.
- طبق نکات ذکر شده، بعید به نظر می‌رسد اتخاذ نگاه و دیدگاهی تهدیدمحور در خصوص اسپانگلیسی، به‌منظور جلوگیری از پیشرفت آن، بتواند کمکی به یکدستی زبان‌ها و فرهنگ‌ها در این مناطق بکند.
- از طرفی دیگر، برداشتی کاملاً خوش‌بینانه از سوی یک اسپانیایی‌زبان به این پدیده، درحالی‌که طبق آمار در سال ۲۰۵۰ بزرگ‌ترین کشور اسپانیایی‌زبان جهان (از حیث جمعیت) ایالات متحده خواهد بود، قابل قبول نیست (با در نظر گرفتن اینکه در آن سال دست‌کم ۸۰٪ این جمعیت به اسپانگلیسی سخن گویند و حتی شاید دیگر خود را اسپانیولی زبان‌ندانند).
- بی‌شک سازمان‌دهی وضعیت واژگان بیگانه واردشده به زبان، هم‌سنگیابی برای آن‌ها و کمک به استانداردسازی مفهوم‌ها و اصطلاحات علوم و فنون و واج‌های گوناگون

در گستره زبان از وظایف مشترک فرهنگستان‌های زبان در سراسر دنیا است. در این میان، نقش فرهنگستان زبان اسپانیایی^۱، به‌ویژه مؤسسه زبان اسپانیایی ایالات متحده^۲ در شهر نیویورک، به‌عنوان مهم‌ترین سازمان حافظ منافع فرهنگ و واژه اسپانیایی در منطقه، بسیار حائز اهمیت است.

References

- AlleyDog Psychology Glossary (2016). Ritrived from: <http://alleydog.com/glossary/definition.php?term=Creole>.
- Arefi, M. and Alizadeh, S. (1391/2012). Dozabanegi va Jamee pazirie Mojaded, Negahi No az Zavieye Ravanshenasaneh (Bilingualism and resocialization, a new psicological vision), http://www.civilica.com/Paper-BILINGUAL01-BILINGUAL01_021.htm.
- Avalos, E. Angélica Guerra, Surgimiento y características del Spanglish, Universidad de Guadalajara, México (2001). Ritrived from: http://www.ub.edu/filhis/culturele/spanglish_surg.html.
- Banadaki, M.S. and Gunehaie Zabani (Types of Linguistics) (2009).
- Cambridge Companion to Latin American Culture, Interview with Ilan Stavans (2000). Ritrived from: <http://cuadernos cervantes.com/entrevistanstavans.html>.
- Cano, J, R, Fernández, Tío, Salvador, 2015, Ritrived from: <http://mcnbiografias.com/app-bio/do/show?key=tio-salvador>
- Census Bureau, United States (2014). National Population Projections, Ritrived from: <http://census.gov/population/projections/data/national/2014/summarytables.html>.
- Cervantes, I. (2013). *EL ESPAÑOL: UNA LENGUA VIVA*. Madrid: Instituto Cervantes.
- Ghazi, M., (2001). Translation of Don Quijote, Miguel de Cervantes, Tehran.
- Chirikba, Viacheslav A. (2008). The problem of the Caucasian Sprachbund, Linguistic Areas to Areal Linguistics.
- Diccionario de la lengua española, versión 2015.
- Diccionario de la Real Academia Española, Real Academia Española, 2015.

1. Real Academia Española
2. Academia Norteamericana de la Lengua Española (ANLE), www.anle.us

- De Rituerto, R.M. (2000). Interview with Carlos Fuentes. El Pais, Novembre. Ritrived from <http://www.um.es/tonosdigital/znum4/Recortes/fuentes.htm>
- Echeverría, Roberto González (March 28, 1997). "Hablar Spanglish es devaluar el español". The New York Times.
- Encyclopedia Britannica (2015). Ritrived from <http://www.britannica.com/topic/language>.
- Encyclopedia Britannica (2015). Ritrived from <http://www.britannica.com/topic/dialect>
- Encyclopedia Britannica (2015). Ritrived from <http://www.britannica.com/topic/lingua-franca>
- Encyclopedia Britannica (2015). Ritrived from <http://www.britannica.com/topic/pidgin>
- El Spanglish, un proceso especial de contacto de lenguas (2004). 1st International Conference on Spanglish, Amherst College, United States.
- European Broadcasting Union (2013). Ritrived from "Ishtar for Belgium to Belgrade", http://eurovision.tv/page/news?id=554&t=ishtar_for_belgium_to_belgrade.
- Farhange Vazhehaie Mosavabe Farhangestan (Dictionary of approved Terms by Persian Academy), serial: 56 (2008). <http://persianacademy.ir/fa/wordspdf.aspx>.
- Koroliova, Natalia (1999). "El spanglish puede ser un peligro para la cultura hispánica y el avance de la integración latina", *Instituto Estatal de Relaciones Internacionales de Moscú (MGIMO)*.
- Mirfzlian, A. (2006). Vazhegan e Farsi dar Englisi: Tabadole Farhang va Zabanha (Persian terms in English: Interchange of the culture and idioms), Tehran, Farhange Moaser Publication.
- Muysken, P. (2000). Bilingual Speech: A Typology of Code-mixing. Cambridge University Press. ISBN 0-521-77168-4.
- Nazem Zadeh, F. (2008). Jahani Shodan, Faraiand e Be ham Vabastegi e Roozafzoon e Ma, (Globalization, the proces of our daily dependency).
- Paul M. Sweezy (1997). "More (or Less) on Globalization," Monthly Review 49(4), September.
- Piña-Roselas, G. (5 de 4 de 2013). "Si resurgen movimientos hispanófobos, el español en EE UU correrá peligro". (Interview: El País daily)

- Porvaldsdóttir, S. (2009). Spanglish, ¿Un fenómeno pasajero o una nueva lengua? 24.
- Proenglish.org. (21 de January de 2008). proenglish.org. Retrieved from ^ Official English Is Not "English Only": <http://web.archive.org/web/20080121110822/>, <http://www.proenglish.org/notenglishonly.html>
- Ranjbar, V. (1388). Zaban va Gunehaye Zabani.
- Real Academia Española, Diccionario de la Lengua Española, Vigécima Tercera edición, 2014, "Espanglish".
- Rojas, I.T. (2005). (s.f.). Spanglish: Un cóctel lingüístico. *Spanglish: Un cóctel lingüístico*, pág. 5.
- Solhjoo, A. (2007). Noktehaie virayesh (Notes about edition) Tehran: Markaz Publication, I.
- Stavans, I. (2005). (s.f.). Don Quixote de La Mancha (I). *Don Quixote de La Mancha (I), in Spanglish*.
- Stavans, I. (2008). (s.f.), Biography, Usemassy website, Ritrieved from: <http://iipdigital.usembassy.gov/st/persian/publication/2008/10/20081021150146srenod0.2507288.html>.
- Tebyan. (2010, 10). Tebyan web page.
Retrieved from Tebyan Zanjan: http://tebyan-zn.ir/News-Article/blest_family/Childeren_world/child_relationship/2010/11/2/9496.html
- TORRES, Antonio. "Tejiendo vidas". Quimera. Mataró (Barcelona), 241, 2004a. (71-73).
- U. S. Department of Labor, G. y. *Congressional Quarterly, Congress and the Nation, 1945-1964*. Washington D. C.
- USEMBASSY.GOV, United States, 2007, Ritrieved from: <http://iipdigital.usembassy.gov/st/persian/publication/2008/10/20081021150146srenod0.2507288.html>
- Valenzuela, J. (1997). El vigor del 'spanglish', El País España, Ritrieved from: http://elpais.com/diario/1997/04/15/ultima/861055202_850215.html
- Wardhaugh, R. (2002). "Pidgins and Creoles". En R. Wardhaugh, *An Introduction to Sociolinguistics (fourth ed.* (págs. 57–86). Blackwell Publishing
- Weinreich, U. (1953). *Languages in contact: Findings and problems*. The Hague, Netherlands: Mouton.

Yule, George (1947), *Motalee Zaban (Language Study)* (2009), Tehran: Jangal
poblication